

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۰۲ جنوری ۲۰۱۸

خوف مقامات و منادیان سرمایه، از گسترش اعتراضات اخیر مردمی

نام حوادث روزهای اخیر را "فتنه جدید" می‌گذارم. خاتمی امام جمعه تهران و نماینده مردم کرمان. "وضعیت بحرانی است، آتش بس کنید. باید بدانیم که همه جریانات در یک قایق قرار دارند که اگر زیر آب برود، هم اصلاح‌طلب غرق می‌شود و هم اصول‌گرا. برای غرق نشدن این قایق گفت و گوی سیاسی باید به گفت و گوی عمیق درباره مشکلات اساسی کشور تبدیل شود". صادق زیباکلام.

"اینکه گروهی در تجمع بگویند سوریه را رها کن فکری به حال ما کن درست نیست". احمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد.

"امروز کسانی که گرانی و بیکاری را بهانه کرده‌اند و بانی حوادثی شده‌اند که ابعاد و زوایای دیگری دارد و باید بدانند دود این حوادث به چشم خود آنها خواهد رفت چرا که وقتی جریان اجتماعی ایجاد شد و به سطح خیابان رسید قطعاً کسانی که آن را شروع کرده‌اند کنترل‌کننده آن نخواهند بود و دیگران سوار بر آن موج خواهند شد" اسحاق جهانگیری معاون رئیس جمهور.

"عناصر ضد انقلاب" قصد دارند در تهران نیز در اعتراض به گرانی تجمعاتی برگزار کنند و هشدار داده که نیروی انتظامی با تظاهرکنندگان برخورد قاطع خواهد کرد: "محسن نسج همدانی، معاون امنیتی انتظامی استانداری تهران.

".. همه اصلاح‌جویان و ایران دوستان (در ایران در آغوش خطر) شایسته است چهار چشمی اعتراضات از نوع مشهد را به دقت رصد کنند و غیر مستند تحلیل نکنند. ایران بیش از همیشه در خاورمیانه لغزنده به سیاست ورزی مبتنی بر «دولت- ملت شهروندی» نیازمند است. متأسفانه شواهد نشان می‌دهد پشت سازماندهی این اعتراضات یک انقلابی گری عقیم و ایران برپادده قرار دارد". حمیدرضا جلائی پور، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و فعال سیاسی اصلاح طلب.

"ما همه سوار بر یک قایق هستیم و هر کسی این قایق را سوراخ کند، همه با هم غرق می‌شویم". غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی نماینده رشت و عضو هیأت رئیسه فراکسیون مستقلین و لائی مجلس شورای.

"... منطقی است که بگوئیم این تظاهرات مبتنی بر یک واکنش خودانگیخته اجتماعی و غریزی مردمی نیست. مثل این می‌ماند که یک دستمان را داخل آب ۹۰ درجه بگذاریم ولی هیچ احساس سوزش نکنیم و حتی بخندیم و بگوئیم که عجب

آب ولرمی است. ولی دست دیگرمان را داخل آب ۴۵ درجه بگذاریم و فریاد سوختم سوختم سر دهیم! کسی این رفتار را نمی‌پذیرد. حتماً پشت ماجرا مسائلی غیر از رفتار خودجوش وجود دارد" عباس عبدی.

"مردم مراقب توطئه‌ها باشند، از توطئه‌های دشمنان غافل نشویم" حجت‌الاسلام والمسلمین ابوترابی نایب رئیس سابق مجلس شورای اسلامی.

"از همه کسانی که با این نوع فراخوان‌ها در تجمعی شرکت می‌کنند، تقاضا داریم که در این نوع تجمعات غیر قانونی شرکت نکنند چراکه برای خودشان و دیگر شهروندان زحمت ایجاد می‌کنند". عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور.

موارد فوق از نمونه جمع‌بندی‌ها، و نظرگاه‌هایی‌ست که سران و مقامات متفاوت نظام، و دیگر مدافعان پر و پا قرص مناسبات گندیده سرمایه‌داری، هم‌زمان با موج جدید اعتراضات ایران بر زبان راندند. می‌دانند که هر صدای خفته، عمومی و به خیابان‌ها کشیده شود، دودمان‌شان را بر باد خواهد داد. ترس و واهمه‌شان، از همه گیر شدن و بی‌کنترولی، جنبش‌های اعتراضی‌ست. بُر برده‌اند که قایق ترک برداشته‌شان، در حال غرق شدن است و بی‌دلیل هم نیست که به‌منظور انحراف اذهان عمومی، و آن‌هم به سیاق همیشگی‌شان، تظاهرات مردمی را، به "بیگانگان" و به "ضد انقلابیون" نسبت می‌دهند. در حقیقت چنین اتهاماتی در قاموس رژیم جمهوری اسلامی، امر تازه و جدیدی نیست، مشاهده شده است که هر زمان، مردم و یا بخش‌هایی از توده‌های ستمدیده و قربانیان نظام امپریالیستی، علیه بی‌عدالتی‌های موجود و تعرضات سردمداران نظام به پاخاسته‌اند، منادیان سرمایه، با تمام قواء به‌میدان آمده، و هم‌زمان با سرکوب، سر آنان را به دیگران وصل می‌کنند. در چنین زمان‌هایی‌ست که، توطئه‌ها، تهدیدات و خط و نشان کشیدن‌ها صد چندان می‌شود تا مبادا، دکل و بادبان نظام، در اثر طوفان و غرش مردمی، دگرگون شود. در هر صورت خارج از تهدیدات و شاخ و شانه کشیدن‌های صاحب منصبان دولتی - حکومتی، تظاهرات مختلف مردم در شهرهای ایران، نشان‌دهنده آن است که، مردم از وضعیت کنونی و از دست رژیم جمهوری اسلامی کلافه‌اند. در عمل پی برده‌اند که نظام و آن‌هم با جناح‌های رنگارنگش جامعه ایران را به مسیر خودخواسته‌شان سمت‌وسو داده و دمار از روزگار مردم در آورده است. شعار "ملت گدائی می‌کند، آقا خدائی می‌کند"، "یا مرگ یا آزادی، مرگ بر دیکتاتور" نماد و اوج وضعیت ناهنجاری‌ست که سران حکومت به جامعه و به‌مردم تحمیل نموده‌اند. در این چند دهه، نظام، سرمایه‌های مملکت را در دست عده‌ای متمرکز و خیل عظیمی از جوانان و کودکان را به نیروی نامصرف و کار خیابانی تبدیل نموده است. درآمدها، بسیار ناچیز و حقوق‌ها، فراخور و جواب‌گوی ابتدائی‌ترین نیازهای اولیه زندگی نیست. متأسفانه سرمایه‌های مملکت به تاراج رفته است و کارگر، زحمتکش، معلم، پرستار و دیگر محرومان، علی‌رغم کار طاقت‌فرسای روزانه، در چنبره، فقر و نداری‌اند. آسیب‌های اجتماعی در اثر سیاست‌های ناعادلانه سران متفاوت نظام، تولید و باز تولید می‌شود و جامعه ایران را، به‌یک‌ی از جوامع، تیره و تاریک تبدیل نموده است.

در اثر چنین اوضاع و احوالی‌ست که مردم به خیابان‌ها سرازیر شده‌اند، علل اساسی به خیابان آمدن‌ها هم، به فقر دائم‌التزاید، به بیکاری و به بی‌آیندگی زندگی میلیون‌ها انسان دردمند بر می‌گردد. در حقیقت بروز اعتراضات گسترده اخیر، بیان‌گر خشم ستمدیدگان است. برآمد ظلم و تعرضاتی‌ست که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در حق محروم‌ترین اقشار جامعه روا داشته‌اند. در بستر چنین حقایقی‌ست که، وضع موجود، پاسخ‌گوی کنونی نخواهد بود، همچنین آشکار است که مسبب اصلی جنب‌وجوش‌های مردمی، به قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه، و به نظام منفعت‌جوئی بر می‌گردد که نزدیک به چهار دهه، بر جامعه و بر جان و مال مردم ایران سیطره انداخته است. درستی این ایده را، من‌حیث‌المجموع می‌توان، در طرح شعارهای تاکنونی دید و اعلام نمود که، نظر و خواست مردم، در تخالف با نظر و

خواست مدافعان سرمایه و دیگر عناصر رقیب حکومتی - دولتی است. متعاقباً دیده شده است که هر زمان، مردم در صف‌های گسترده‌تر و فرا شهری، به خیابان‌ها سرازیر شده‌اند، جانپان بشریت و جاده صاف‌کنان نظام، موقعیت آتی و آتی خود را در خطر دیده و برای "آبروی" - و در حقیقت بر دوامی و پایداری - نظام، به‌میدان آمده، تا بر موج جنبش‌های اعتراضی سوار شوند و جنبش‌های بحق را به کج‌راه برند. بر همین اساس، این‌دست اعتراضات به‌حق، قابل حمایت و پشتیبانی است. چرا که مناسبات حاکم، در خدمت به سازندگی جامعه ایران نیست و مؤلّد، خانه خرابی و فقر بیش از پیش مردم است. مردم از وضعیت کنونی کلافه‌اند و خواهان هدایت کشور، در دستان عناصر و نظام‌هایی همچون، خامنه‌ای، روحانی، احمدی‌نژاد و جمهوری اسلامی نیستند. این عناصر و نظام، امتحان خود را پس داده‌اند و نتیجه کارکردهای‌شان را، می‌توان در بیان، و در کردار خیابانی مردم دید. همه تلاش عناصر و جناح‌های مغلوب و مخالف دولت و حکومت، نفوذ در اعتراضات مردمی است. می‌خواهند با چنگ و دندان، سوار بر جنبش‌های اعتراضی مردم شوند و از دامنه رادیکالیزم آن بکاهند. به همین دلیل، طرد عناصر و جناح‌های رقیب حکومتی - دولتی، و همچنین در دستور کار قرار دادن سیاست‌ها و شعارهای رادیکال، از زمره، مواردی است که بر عهده و بر دوش همه مدافعان جنبش‌های اعتراضی است. لازم و بجاست تا شعارها و حرکت‌های روشن و صریح را، جای‌گزین شعارها و حرکت‌های ناروشن و مبهم نمود و مانع سوءاستفاده، و به انحراف کشانده شدن اعتراضات مردمی از جانب عناصر وابسته و ناپایدار گردید.

با این تفاسیل درک صحیح از وضعیت کنونی، هوشیاری و شناخت عمیق‌تر، خط و مرز عملی از لمیدگان انقلاب و جنبش‌های اعتراضی، از زمره اولویت‌هاست. مهم‌تر از همه این‌ها و باید آگاه بود، زمانی جنبش‌های اعتراضی به سر منزل مقصود خواهند رسید، که بر سر آن‌ها، ایده‌ها، شعارها و برنامه‌های روشن قرار گرفته باشد. در حقیقت انتخاب و همراهی با عناصر ناپایدار و آلوده به سرمایه، و همچنین ایده‌های گنگ و اتخاذ سیاست‌ها و تاکتیک‌های ابهام‌آمیز، جامعه ایران را، به‌همان مسیری سوق خواهد داد که ما این‌روزها، در بعضی کشورهای خاورمیانه، افریقا و خلاصه در دیگر جوامع تحت ستم شاهد آنیم. چرا که سرمایه و همه مدافعان آن می‌دانند، جنبش هدایت شده سالم، مناسبات سرمایه‌داری را زیر و رو، و همه منادیان آن را به تاریخ خواهد سپرد. همه آنان بوضوح کامل می‌دانند که سوار بر یک قایق‌اند و طوفان عظیم انقلاب، آنان را به قعر دریا خواهد بُرد. بیهوده نیست که زیباکلام نغمه گفتمان سیاسی و آتش‌بس میان اصول‌گریان و اصلاح‌طلبان را سر داده است، تا بتواند بدین‌گونه، نظام را از وضعیت بحرانی بدر آورد و جنبش‌های اعتراضی کنونی را در نطفه خفه سازد. در هر صورت، مسیر اعتراضات کنونی، به‌هر جا ختم شود، آنچه که، روشن می‌باشد آن است که، مردم بیش از این، حاضر به حکومت‌داری سران رژیم جمهوری اسلامی نیستند و خواهان نابودی همه آنان و آن‌هم با هر قشر و قماش‌اند. با این اعتبار جای دارد، تا جدا از چنین نظرگاه بجا و بحق، مکانیزم‌های صحیح را باز شناخت و بر ال‌ترناتیوهای ثمربخش و راهگشا تکیه نمود. باید دانست که جنبش‌های اعتراضی، نیازمند سازمان و نیروی هدایت‌گر آگاه‌ست، همچنین بر این ایده اصرار داشت، که جابه‌جائی‌های بدون تغییر بنیادی، خواست مردم، و پاسخ‌گوی مناسبات و قوانین ضد انسانی حاکم بر جامعه نیست. تغییر ریل حرکت مبهم و سؤال برانگیز، به حرکت آگاه‌گرانه و آن‌هم بدون ابهام، می‌تواند، بر میزان ضربات جدی مناسبات سرمایه‌داری بیفزاید و گام به‌گام جامعه را، از درون متحول سازد.

۳۱ دسمبر ۲۰۱۷ - ۱۰ دی‌ماه [جدی] ۱۳۹۶